

جایگاه و آثار عبودیت در وحدت امت اسلامی

مراد شهگلی^۱

^۱دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصول دین قم، قم، ایران

چکیده

یکی از مهمترین مسائل جوامع کنونی اسلامی وحدت و تقریب است. قرآن کریم در موارد متعددی امت اسلامی را به وحدت دعوت کرده و از تفرقه و دشمنی نهی نموده است. در این نوشتار به نقش عبودیت و بندگی خدا و تاثیر آن در وحدت امت اسلامی پرداخته شده است. بر این اساس آنان که عبودیت حضرت حق را پیشه خود ساخته و در عالم هستی به چیزی جز آن نمی‌اندیشند در صراط مستقیم الهی که خداوند از آن یاد کرده است، گام می‌نهند و همیشه از تشمت و تفرقه به دوراند. از شاخص‌ترین آثار عبودیت خدا نازل شدن رحمت او بر بندگان است. خداوند تبارک و تعالی نظام هستی را طبق حرکت به سیر کمال مطلق که خود اوست، آفریده است.

واژه‌های کلیدی: وحدت، قرآن، عبودیت، تفرقه، امت اسلامی

مقدمه

مسئله وحدت امت اسلامی یکی از مهمترین مسائل کنونی جهان اسلام است. قرآن کریم و روایات اسلامی نیز تاکید زیادی بر وحدت بین مسلمانان دارند. از نقطه نظر فلسفی نیز می‌توان گفت «وحدت کلی مشکک است. وحدت در قوی‌ترین و صادق‌ترین و پرمایه‌ترین و حقیقی‌ترین مصادیق تحقق خود، وحدت ذات اقدس الهی است و تنها موردی که این واژه بدون کمترین و کوچکترین اعتبار و مجازی از هر نظر و با هر دیدگاه که نگریسته شود، تحقق خارجی یافته است، این مورد است. خدا به معنای تام و تمام کلمه و به معنای حقیقی و نه اعتباری، واحد است و هیچ گونه کثرت حقیقی و اعتباری و عقلی و خیالی در آن ذات والا راه ندارد» [۱].

در قرآن کریم از خدای باری تعالی با صفت «واحد» یاد شده است:

﴿أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ إِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ «آیا وقتی که یعقوب را مرگ فرا رسید، حاضر بودید؟ هنگامی که به پسران خود گفت: «پس از من، چه را خواهید پرستید؟» گفتند: «معبود تو، و معبود پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق - معبودی یگانه - را می‌پرستیم؛ و در برابر او تسلیم هستیم» (البقره: ۱۳۳).

و حتی فراتر از آن با صفت «أحد» که یگانگی در مفهوم و مصداق را شامل می‌گردد، آمده است:

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ (الإخلاص: ۱).

از دیگر سو، روح انسان نیز از سنخ روح خداست و از روح باری تعالی در آن دمیده شده است:

﴿فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ «پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به سجده در افتید.» (الحجر: ۲۹)

و همه آدمیان نیز براین سرشت قرار داده شده‌اند و به این سبب که رفته رفته دچار اختلاف و تفرقه شدند و خداوند باز هم رسولانش را بیم‌دهنده و بشارت دهنده با آیات و بینات فرستاد تا ایشان را به اصل خودشان بازگردانند:

﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾ «مردم، امتی یگانه بودند؛ پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت، و با آنان، کتاب [خود] را به حق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند.» (البقره: ۲۱۳)

در لسان روایات نیز همیشه بر اتحاد و همبستگی و انس و الفت و همدلی تأکید شده است. یسوع‌الدین حضرت علی (علیه‌السلام) در این باره چنین فرموده‌اند:

«بر شما باد پیوند و هماهنگی با یکدیگر و بهره‌یزد از جدایی و دوری» [۹]. اهمیت این اتحاد در مواقع ضروری و حساس دو چندان است. امام‌المتقین حضرت علی (علیه‌السلام) درباره ضرورت وحدت در میدان نبرد خطاب به اصحابشان چنین فرموده‌اند:

«...بپرهیزید از پراکندگی! پس هر گاه فرود می‌آیید، با هم فرود آیید، و هر گاه کوچ می‌کنید، با هم کوچ کنید، و هر گاه شب شما را فرا گیرد، نیزه‌ها را گرداگرد خود، برپا دارید، و خوابید جز اندک، یا آن را مضمضه کنید (لختی بخوابید و لختی بیدار مانید).» [۹].

لذا اصل کلی این است که همه انسان‌ها در این مسیر گام بردارند و همیشه خدای باری تعالی را معبود و اله قرار داده و یکدل و یکصدا این راه را بپیمایند. از این رو بر همه مردمان فرض است که از رسول گرامی خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اطاعت بنمایند. آنان که چنین نکنند در حقیقت گمراهند. از دیگر سوی جامعه اسلامی یعنی جامعه مسلمانان باید از یکپارچگی و وحدت برخوردار باشد. استاد واعظ زاده خراسانی در این باره چنین نگاشته است:

«مقصود از وحدت اسلامی، همان وحدت امت اسلام است که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ «این است امت شما که امتی یگانه است، و منم پروردگار شما، پس مرا بپرستید.» (الانبیاء: ۹۲).

پس اساس این وحدت را قرآن نهاده و بارها مسلمانان را به عنوان یک امت مخاطب ساخته است مانند: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: به کار پسندیده فرمان می‌دهید، و از کار ناپسند باز می‌دارید، و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعاً برایشان بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمنند و الی [بیشترشان نافرمانند.]» (آل عمران: ۱۱۰).

﴿وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾. «و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید ...» (البقره: ۱۴۳).

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) پس از هجرت، در قرارداد و عهدی بین مهاجرین و انصار، رسماً وحدت امت اسلام را اعلان فرمودند:

«آئهم امّۀ واحده من دون الناس»

«مسلمانان جدای از مردم، یک امت هستند.»

این اعلان رسمی که همزمان با تأسیس حکومت اسلامی صورت گرفته است علاوه بر مفهوم وحدت دین و عقیده، وحدت سیاسی و اجتماعی مسلمین را نیز در بردارد و مسلمانان موظف هستند با وجود اختلافات قومی و زبانی و احیاناً اختلاف آراء در فروع فقهی، روش‌های عملی، فهم کتاب و سنت و نیز گرایش‌های سیاسی این وحدت را همچنان حفظ کنند. هیچ‌گاه این قبیل اختلاف‌ها که همواره وجود دارد و امری طبیعی است، آنان را فرقه فرقه نکند و به عداوت و درگیری و جنگ با هم وادار ننماید ... باری چنان که بیان شد مراد از آزادی محدود در بسیاری از زمینه‌های علمی و عملی، به شرطی که این آزادی و اختلاف ناشی از آنکه امری طبیعی است، به فرقه فرقه شدن و دسته‌بندی و رقابت نامطلوب و بالاخره به نزاع و جنگ داخلی نینجامد.» [۱۲].

پس روشن گشت که یکی از نیازهای اساسی، ضروری و مبرم امت اسلامی در تمام دوران اتحاد و همپارچگی، همدلی، انسجام و همبستگی ایشان است تا بتوانند گام‌های ترقی و تعالی را یکی پس از دیگری طی نمایند. برای این کار بهترین راهکارها و روش‌ها را می‌توان در لابلای آیات قرآن کریم و سنت ائمه طاهیرین (علیهم‌السلام) یافت.

معنای عبودیت

«اصل عبودیت، خضوع و تذلل است. از همین رو عرب به شتر رام و مطیع «بعیر معبد» و به راهی که در اثر کوبیده شدن و کثرت رفت و آمد هموار باشد را طریق معبد گوید» [۵].

استاد جودوی، پژوهشگر در زمینه تفسیر و تاریخ تفسیر، درباره مفهوم عبودیت در قرآن کریم چنین آورده است: «کلمه عبد در آیات قرآن دو کاربرد دارد:

الف) کاربرد اعم

به معنی مخلوق، نیازمند و تحت فرمان خدا بودن؛ خواه مخلوق مورد نظر به این عبودیت توجّه و اعتقاد داشته و آن را پذیرفته باشد و خواه به آن توجه نداشته و آن را نپذیرفته باشد.

ب) کاربرد اخص

به معنی کسی که به مملوکیّت و عبودیت خود توجّه و عنایت داشته و آن را پذیرفته و در صدد انجام وظایف عبودیت است. پی‌آمد عبادت به معنی دوم، ایمنی از سلطه شیطان [۶] و رشد و دانایی و امکان رؤیت آیات الهی است (الحجر: ۴۲؛ الاسراء: ۶۵) چنان‌که در داستان حضرت موسی (علیه‌السلام) از آن بنده ارجمند الهی با عنوان «بندگان ما»، سپس با تعبیر «تعلیم شده از جانب ما» یاد شده است و نیز از کثرت عبادت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به عنوان عاملی برای دریافت آیات روشن الهی

و رؤیت آنها یاد شده است که در نهایت منجر به یقین می‌شود که از دید امام صادق (علیه‌السلام) بالاترین درجهٔ ایمان است» [۲].

رابطه عبودیت و وحدت

اگر عبودیت خدا به معنای اخص صورت پذیرد دیگر هیچ‌گونه اختلافی در هستی نخواهد بود چرا که همهٔ خواهش‌ها و اهداف یکی شده است؛ لذا، خداوند در کنار عنوان کردن امت اسلام به «امت واحده» آنان را به عبودیت ذات مقدسش فرمان داده است:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ «این است امت شما که امتی یگانه است، و منم پروردگار شما، پس مرا پرستید» (الانبیاء: ۹۲).

و هر آنچه غیر از حقیقت حضرت دوست - جلّ و علا - باشد، اختلاف ایجاد می‌کند: ﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْحَالِسُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ «آگاه باشید: آیین پاک از آن خداست، و کسانی که به جای او دوستانی برای خود گرفته‌اند [به این بهانه که: ما آنها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک گردانند، نمی‌پرستیم، البته خدا میان آنان درباره آنچه که بر سر آن اختلاف دارند، داوری خواهد کرد. در حقیقت، خدا آن کسی را که دروغ پرداز ناسپاس است هدایت نمی‌کند» (الزمر: ۳).

پس آنچه مهم است وجود روح خدایی در تمام کارهاست چرا که همگی بر یک شاکله‌اند. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در این باره چنین فرموده‌اند: «هان! مردم، پروردگار یکی است و پدر نیز یکی است. و دین هم یکی است. زبان عربی پدر یا مادر شما نیست بلکه زبان گویش است؛ لذا، هر کس زبان عربی را یاد بگیرد، عربی دان است» [۸].

در این روایت هم اصل و پایهٔ وحدت، دین واحد است. شهید سید محمد باقر حکیم (معاصر) در این باره چنین نگاشته است: «از دیدگاه قرآن هرگز نمی‌توان از اتحاد واقعی مؤمنان با کافران سخن گفت. آنان البته ممکن است گاه در اثر پاره‌ای از ضرورت‌ها در کنار هم گرد آیند و میهنی واحد، محلّ تجمع آنان قرار گیرد و صلح و آرامش در میان آنان برقرار گردد، اما در این حالت هرگز متحد نشده‌اند. چون اصولاً برای دستیابی به وحدت، دست از ایمان به خداوند یکتا به هیچ روی نمی‌توان برداشت.

«شُرک» گناهی نابخشودنی است و هر گناه دیگری جز آن قابل بخشایش است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونِ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾ «مسلماً خدا، این را که به او شرک ورزیده شود نمی‌بخشاید و غیر از آن را برای هر که بخواهد می‌بخشاید، و هر کس به خدا شرک ورزد، به یقین گناهی بزرگ برافشته است» (النساء: ۸).

با این بیان در واقع شرک، مانعی درونی و تناقضی اجتماعی بر سر راه اتحاد می‌نشانند که هرگز نمی‌توان از آن درگذشت و بر خلاف عقیدهٔ توحیدی که اتحاد حقیقی را در جهان و جامعه به تصویر می‌کشد، نشانه‌ای است از تکبر و اختلاف در مواجهه با مسائل [۳].

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَأَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ أَبَدًا حَتَّىٰ تُوْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبَأْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ «قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست: آن‌گاه که به قوم خود گفتند: «ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم. به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید» (الممتحنه: ۴).

عبودیت و صراط مستقیم

آنانکه عبودیت حضرت حق را پیشه خود ساخته و در عالم هستی به چیزی جز آن نمی‌اندیشند در صراط مستقیم الهی که خداوند از آن یاد کرده است، گام می‌نهند و همیشه از تشمت و تفرقه به دوراند:

﴿وَأَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ «و [بدانید] این است راه راست من؛ پس، از آن پیروی کنید. و از راه‌ها [ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می‌سازد پیروی مکنید. اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که به تقوا گرایید» (الانعام: ۱۵۳).

صراط مستقیم که جز با عبودیت به دست نمی‌آید، راه‌هایی که به اختلاف و چند دستگی ختم می‌گردد را نشان داده و چنان قوتی به آدمی می‌دهد تا از آن برهد:

﴿وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَ لَأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا * إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ * فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ﴾ «و چون عیسی دلایل آشکار آورد، گفت: «به راستی برای شما حکمت آوردم، و تا درباره بعضی از آنچه در آن اختلاف می‌کردید برایتان توضیح دهم. پس، از خدا بترسید و فرمانم بپذیرید.» * «در حقیقت، خداست که خود پروردگار من و پروردگار شماست. پس او را بپرستید؛ این است راه راست.» * تا [آنکه] از میانشان احزاب، دست به اختلاف زدند، پس وای بر کسانی که ستم کردند از عذاب روزی دردناک!» (الزخرف: ۶۵ - ۶۳).

راه مستقیم الهی چنان دقیق و واضح است که اهل حق بدلیل عملکردشان در آن استوار و محکم هستند و هیچ شکی به دل خود راه نمی‌دهند و در آن به منازعه و ستیزه جویی نمی‌کنند ولی آنان که در باطل‌اند برای اینکه خود را از مخمصه نجات دهند، خود را به هر دری می‌زنند ولی هیچ فایده‌ای ندارد:

﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ وَ ادْعُ إِلَى الْوَيْدِ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٍ * وَ إِن جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ * اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ «برای هر امتی مناسکی قرار دادیم که آنها بدان عمل می‌کنند، پس نباید در این امر با تو به ستیزه برخیزند، به راه پروردگارت دعوت کن، زیرا تو بر راهی راست قرار داری. * و اگر با تو مجادله کردند، بگو: «خدا به آنچه می‌کنید داناتر است.» * خدا روز قیامت در مورد آنچه با یکدیگر در آن اختلاف می‌کردید، داوری خواهد کرد.» (الحج: ۶۹ - ۶۷).

در حقیقت چنگ زدن به ریسمان الهی و خداوند را ولی قرار دادن (عبودیت به معنای اخص)، نتیجه قهری‌اش هدایت در جهت صراط مستقیم الهی است:

﴿وَ كَيْفَ تَكْفُرُونَ وَ أَنْتُمْ تَتْلُوا عَلَیْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ وَ فِیكُمْ رَسُولُهُ وَ مَنْ يَعْتَصِمِ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ «و چگونه کفر می‌ورزید، با اینکه آیات خدا بر شما خوانده می‌شود و پیامبر او میان شماست؟ و هر کس به خدا تمسک جوید، قطعاً به راه راست هدایت شده است (آل عمران: ۱۰۱).

درحقیقت می‌توان گفت: الفت، همدلی، اتحاد، همبستگی، انسجام چیزی جز لطف الهی نیست. خداوند در اثر این نعمت چیزی جز تداوم این نعمت را از مسلمانان و مؤمنین نخواست که لازم عاقبت به خیری ایشان نیز هست:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ * وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَیْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَآلَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا آن گونه که حق پروا کردن از اوست، پروا کنید؛ و زینهار، جز مسلمان نمی‌رید. * و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دلهای شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید؛ و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما راه یابید» (آل عمران: ۱۰۳ - ۱۰۲).

قرآن کریم در پاره‌ای از آیات به صراحت روشن می‌کند نتیجه قهری عبودیت یعنی هدایت سبب اتحاد و همبستگی است:

﴿... فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ «... پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند، به توفیق خویش، به حقیقت آنچه که در آن اختلاف داشتند، هدایت کرد و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند» (البقره: ۲۱۳).

و به عکس هر کجا هدایت الهی نباشد، اختلاف پیش می‌آید. امام متّین حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ما اختلف دعوتان إلاّ كانت إحداهما ضلالة» «دو دعوت که بر خلاف هم باشند ناچار یکی از آنها گمراهی است» [۷]. قرآن ریشه معنوی بازگشت به حال گذشته (تفرقه، اختلاف و چند دستگی در عصر جاهلیت) را عدم عبودیت خداوند دانسته و تنها راه را، بازگشت به خداوند دانسته تا بدین وسیله در معرض هدایت الهی قرار گرفته، وحدت کلمه ایجاد گردد: ﴿قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَ لَا يَضُرُّنَا وَ نُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ أَيْنَمَا قُلُوا إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَ أَمْرُنَا لِنُؤْمِنَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ «بگو: «آیا به جای خدا چیزی را بخوانیم که نه سودی به ما می‌رساند و نه زیانی؛ و آیا پس از اینکه خدا ما را هدایت کرده از عقیده خود بازگردیم؟ مانند کسی که شیطان‌ها او را در بیابان از راه به در برده‌اند، و حیران [بر جای مانده] است؟ برای او یارانی است که وی را به سوی هدایت می‌خوانند که: «به سوی ما بیا.» بگو: «هدایت خداست که هدایت [واقعی] است، و دستور یافته‌ایم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم» (الانعام: ۷۱).

همیشه دشمنان اسلام در صدد هستند تا ضربه خود را به اسلام و جامعه مسلمین وارد کنند ولی خداوند مومنان را یاری می‌کند. امدادهای غیبی باری تعالی نقشه‌های دشمن را نقش بر آب می‌کند. اینان خداوند را نشناخته و او را عبودیت نمی‌کنند ولی مؤمنین به برکت ارشادات و راهنمایی‌های رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خدای تعالی را معبود خود ساخته و قابلیت برخوردار از مدد الهی را کسب کرده‌اند:

﴿اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَ رَهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ مَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ * بَرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ يَأْبَى اللَّهُ إِلَهًا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ «اینان دانشمندان و راهبان خود و مسیح پسر مریم را به جای خدا به الوهیت گرفتند، با آنکه مأمور نبودند جز اینکه خدایی یگانه را بپرستند که هیچ معبودی جز او نیست. منزّه است او از آنچه [با وی] شریک می‌گردانند. * می‌خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند، ولی خداوند نمی‌گذارد، تا نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید» (التوبه: ۳۲ - ۳۱).

امدادهای غیبی نتیجه وحدت و عبودیت

در طول تاریخ نیز هر جا هدف حق بوده، خداوند نیز یاری کرده و اهل حق در ایجاد اصلاح و وحدت موفق بوده‌اند. یکی از این نمونه‌ها حضرت شعیب (علیه‌السلام) بوده است.

نمونه دیگر جنگ بدر است که خداوند مسلمین را به امداد غیبی خود پیروز گردانید و این چیزی جز اعتقاد مسلمین به رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و عبودیت ایشان (الانفال: ۴۱) در پیشگاه باری تعالی است:

﴿إِذْ يَرْيَكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلًا وَ لَوْ أَرَاكُهُمْ كَثِيرًا لَفَشِلْتُمْ وَ لَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ «ای پیامبر، یاد کن [آن‌گاه را که خداوند آنان [= سپاه دشمن] را در خوابت به تو اندک نشان داد؛ و اگر ایشان را به تو بسیار نشان می‌داد قطعاً سست می‌شدید و حتماً در کار [جهاد] منازعه می‌کردید، ولی خدا شما را به سلامت داشت، چرا که او به راز دلها داناست» (الانفال: ۴۳).

عبودیت و رحمت الهی

از آثار عبودیت خدا نازل شدن رحمت او بر بندگان است. از این رو باید به نقش رحمت الهی در ایجاد وحدت، انس و همدلی است نیز اشاره شود. «بنابر مشرب حکمای انسی راز وجود و رمز کمال رحمت است (ابن‌العربی، الفتوحات المکیّة، ج ۲، ص ۳۹۹)، با رحمت رحمانیه وجود ظهور یافته است و با رحمت رحیمیه هر چیزی به کمال حقیقی خود می‌رسد، زیرا گسترش بساط وجود و کشش دامنه استکمال و کمال وجود از حق تعالی به اسم رحمان و رحیم است و این دو اسم مبارک از امّهات

اسماء الهیّه و اسماء محیط و واسعه است، (السبزواری، هادی بن مهدی، شرح الأسماء الحسنی، صص ۸ - ۶). چنان که خدای متعال فرموده است:

﴿... وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُوْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ «... و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است؛ و به زودی آن را برای کسانی که پرهیزگاری می کنند و زکات می دهند و آنان که به آیات ما ایمان می آورند، مقرر می دارم.» (الاعراف: ۱۵۶)

بنابر آنچه گذشت رحمت خاصّ خداوند موجب می گردد خداوند قلوب مؤمنین را نسبت به یکدیگر نرم کند. و اگر آنان این عبودیت را نداشتند لاجرم از این نعمت الهی محروم بودند. خداوند در قرآن چنین بیان فرموده است:

﴿عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ «امید است که خدا میان شما و میان کسانی از آنان که [ایشان را] دشمن داشتید، دوستی برقرار کند، و خدا تواناست، و خدا آمرزنده مهربان است.» (الممتحنه: ۷).

و در جای دیگری چنین می فرماید:

﴿وَ مَا كَانَ رَبُّكَ لِيَهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَ أَهْلِهَا مُصْلِحُونَ * وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ * إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَ لِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾ «و هرگز! بر آن نبوده است که شهرهایی را که مردمش اصلاح گردند، به ستم هلاک کند. * و اگر پروردگار تو می خواست، قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می داد، در حالی که پیوسته در اختلافند. * مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده، و برای همین آنان را آفریده است. و وعده پروردگارت [چنین] تحقق پذیرفته است [که]: «البتّه جهنم را از جنّ و انس یکسره پر خواهم کرد.» (هود: ۱۱۹ - ۱۱۷).

خداوند در بیان یکی از رموز موفقیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یعنی نرم خوئی ایشان عنوان کرده که این صفت والا که سبب اتحاد مسلمین و قوت قلب ایشان شده، ریشه در رحمت خاصّه الهی دارد:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ «پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پرمهرا] شدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس، از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه، و در کار [ها] با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد.» (آل عمران: ۱۵۹).

نتیجه گیری

قرآن از آن رو که آیین نامه بشریت است و به ویژه کتاب مقدس مسلمانان است، عامل وحدت و اتحاد است و مسلمانان هرچه بیشتر به آن تمسک جویند و از آن بهره برند به سعادت، همدلی، الفت و رستگاری نزدیک تراند. همچنین تمسک جستن به کتاب شریف قرآن، لازمه اتحاد، وحدت، انسجام، همبستگی، است. بر اساس آموزه های قرآن کریم عبودیت خداوند در همه قوالب و با تمام ملازمات و آثارش، عامل اساسی جهت وحدت و تفرقه زدایی و از راهکارهای قرآنی وحدت است. عبودیت خدا علاوه بر این که خود وحدت و انس در پی دارد موجب جلب نعمت ها، الطاف، توفیقات و رحمت الهی گشته و این عوامل ذاتاً وحدت آفرین هستند.

منابع

- حجتی کرمانی، محمدجواد، وحدت از دیدگاه عرفانی، دینی و سیاسی امام خمینی (رحمة الله علیه)، حضور، شماره‌های ۲۰ و ۲۳، تابستان ۱۳۷۶ هـ.ش و بهار ۱۳۷۷ هـ.ش.
- جودوی، امیر، پی‌آمد اعمال در زندگی با الهام از قرآن، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۱، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- حکیم، محمدباقر، وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت، ترجمه عبدالهادی فقهی‌زاده، تهران: تبیان، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۴۸.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی «منطق عملی» دفتر سوم: سیره مدیریتی، چاپ دوم، تهران: دریا، پاییز ۱۳۸۳ هـ.ش.
- دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸ ق.،
- سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه علی شیروانی، چاپ چهارم، قم: دارالعلم، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- العداری، سعید کاظم، معالم الحکومه فی عهد ظهور الامام المهدی، تهران، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- محمدی ری‌شهری، محمد، دانش‌نامه امیرالمؤمنین بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ترجمه عبدالهادی مسعودی (ج ۱، ۲، ۳ و ۱۲) و مهدی مهریزی (ج ۴ و ۵)، سید ابوالقاسم حسینی «ژرفا» (ج ۶) و جواد محدثی (ج ۷) و محمدعلی سلطانی (ج ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱)، چاپ اول، قم: دارالحديث، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- محبی الدین بن عربی، الفتوحات المکیة (اربع مجلدات)، ۴ جلد، دار الصادر - بیروت، چاپ: اول، ۱۳۷۲.
- ملاهادی سبزواری، شرح الأسماء الحسنی، ۱ جلد، دانشگاه تهران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۲.
- واعظ‌زاده خراسانی، محمد، امام علی (علیه‌السلام) و وحدت اسلامی، کنگره بین‌المللی امام علی (علیه‌السلام)، وحدت ملی و امنیت ملی، ۱۳۸۱ هـ.ش.